



# بسویک بحیات طیبه

● عبدالرحیم اصلی  
مدرس دانشگاه

## اشاره

تحول بنیادین در آموزش و پرورش، تحولی عمیق و ریشه‌ای است که به دگرگونی در مفاهیم نظری، روندها و فرایندها، نقش‌ها و کارکردها و رویکردها منجر خواهد شد. در این تحول نگاه به معلم، کتاب و دانش‌آموز، پیشرو و دیگرگون است. در کنار این‌ها هم‌چنین بهره‌گیری از روش‌های نوین و فناوری‌های جدید، محیطی بانشاط ایجاد خواهد کرد تا همه در خدمت تربیت دانش‌آموزان برای دستیابی به مراتبی از حیات طیبه و قرب الهی باشیم. اما از کلمات اساسی و کلیدواژه‌های تحول و برنامه‌ی درسی ملی واژه‌ی حیات طیبه است. در اینجا این معنا را دست‌آویز قرار داده و می‌خواهیم ببینیم که منظور از این نوع رویکرد و زندگی در قرآن چیست؟ اگر فرصتی نیز دست دهد به رکن اصلی دیگر این زندگی یعنی عمل صالح پرداخته خواهد شد.

## حیات طیبه

خداوند انسان را موجودی دوساحتی خلق کرده است یعنی با دو بعد مادی و مجرد. بعد مادی انسان را بدن و قوایی که در بدن دارد، تشکیل می‌دهد. خداوند در آیات قرآن به تعبیر مختلف از خلقت بدن انسان یاد کرده است که از دقت در آن‌ها معرفت ما به حقیقت قرآن و معارف خلقت انسان به دست می‌آید. بنابراین تمام آیات که مبدأ انسان را خاک یا آب یا گل یا «طین لازب» (گل چسبنده) یا «حماء مسنون» یا «صلصال» (گل خشک) یا «صلصال کالفخار» (گل خشک مانند سفال) یا «علق» (خون بسته) یا «سلاله» (جزء جدا شده از یک چیز) یا «ماء مهین» (آب پست و بی‌مقدار) یا «تطفه» یا «مضغه» (پاره‌ی گوشت) می‌دانند همگی ناظر به خلقت بدن انسان است.

خلقت و آفرینش روح حقیقت دیگری است که خداوند با تعبیر «ثُمَّ انشأناهُ خَلْقًا آخَرَ

(مؤمنون/۱۴) (آفرینش دیگری ایجاد کردیم) از آن یاد می‌کند و از عجایب آفرینش این است که این دو یعنی روح و بدن علاقه و وابستگی شدید به هم دارند به حدی که هر کدام از آن دو در دیگری تأثیر می‌گذارد و از اینجاست که فیلسوفان و عارفان هنوز هم در شناخت حقیقت روح و تأثیرگذاری آن بر بدن در شگفتی و تحیر به سر می‌برند.

## حیات طبیعی و حیات طیبه

با توجه به دوساحتی بودن انسان، دو گونه حیات و زندگی برای او قابل تصور است، یکی حیات طبیعی که مربوط به بدن انسان است و در آن نیازهای بدن برآورده می‌شود، مانند نیازهای معیشت، مسکن، ازدواج، لباس و زیبایی‌های ظاهری. با اینکه حیات طبیعی مهم است ولی هدف غایی نیست و انسان صرفاً برای زندگی طبیعی خلق نشده است. زندگی طبیعی یک وسیله و ابزار است که

ما در بستر آن به کمالات انسانی و ایده‌ها و هدف‌های متعالی صعود می‌کنیم. حیات دیگری که برای انسان با توجه به بعد روحانی و مجرد قابل تصور است، حیات طیبه است. حیات طیبه یعنی زندگی پاک و خوش. در این زندگی انسان نیازهای روحی و معنوی خود از قبیل علم، ایمان، اخلاق، فضیلت‌ها و کرامت‌های انسانی را تأمین می‌کند و هدف غایی از خلقت و زندگی انسان همین حیات طیبه است، طوری که خداوند انسان‌ها را به آن دعوت می‌کند: **مَنْ عَمِلْ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً. (نحل / ۹۷).**

## مصادیق حیات طیبه

در تفاسیر و احادیث برای «حیات طیبه» (زندگی پاکیزه) مصادیق متعددی آورده‌اند: بعضی آن را به معنی روزی حلال تفسیر کرده‌اند و بعضی به قناعت و رضا دادن به

نصیب. بعضی به رزق روزانه و بعضی به عبادت توأم با روزی حلال و بعضی به توفیق بر اطاعت فرمان خدا و مانند آن تفسیر کرده‌اند. ولی شاید نیاز به تذکر باشد که مفهوم حیات طیبیه آن چنان گسترده است که همه‌ی این‌ها و غیر این‌ها را دربرمی‌گیرد. زندگی پاکیزه از آلودگی‌ها، ظلم‌ها و خیانت‌ها، عداوت‌ها و دشمنی‌ها، اسارت‌ها و ذلت‌ها و انواع نگرانی‌ها و هرگونه چیزی که آب زلال زندگی را در کام انسان ناگوار می‌سازد.

جالب اینکه در روایتی که در نهج‌البلاغه از امیرمؤمنان، علی (ع) نقل شده است، می‌خوانیم: **«وَسُئِلَ عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى «فَلْتُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً» فَقَالَ هِيَ الْقَنَاعَةُ:**

«از امام پرسیدند: منظور از جمله‌ی «فَلْتُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً» چیست؟ فرمود: قناعت است.»

بدون شک مفهوم این تفسیر محدود ساختن حیات طیبیه به قناعت نیست، بلکه بیان مصداقی بسیار روشن است، چرا که اگر تمام دنیا را به انسان بدهند ولی روح قناعت را از او بگیرند همیشه در آزار و رنج و نگرانی به‌سر می‌برد و به عکس اگر انسان روح قناعت داشته باشد و از حرص و آز و طمع برکنار گردد، همیشه آسوده‌خاطر و خوش است.

هم‌چنین در بعضی روایات دیگر «حیات طیبیه» به معنی «رضا و خشنودی از آنچه خدا داده است» تفسیر شده که آن هم با قناعت مترادف است.

**خطا در تعیین هدف**  
آیا تاکنون از خود سؤال کرده‌اید که برای

چه خلق شده‌اید؟ این پرسش از مهم‌ترین سؤال‌هایی است که انسان‌ها در طول تاریخ با آن مواجه بوده‌اند و پاسخ به این سؤال و پرسش‌های مشابه، در ارتباط با خدا و جهان هستی؛ مکتب‌های گوناگونی پدید آورده است. بعضی از انسان‌ها از زندگی، همین ظاهر و حیات طبیعی را فهمیده‌اند و تمام سعی و تلاش خود را در بهتر شدن زندگی طبیعی و استفاده از لذت‌ها و خوشی‌های آن به کار برده‌اند. البته استفاده از لذت‌ها و خوشی‌های حیات طبیعی حق هر انسانی است اما منحصر کردن هدف آفرینش به همین زندگی طبیعی را دین و عقل کافی نمی‌دانند.

خداوند از کسانی که به همین حد از زندگی اکتفا کرده باشند به اهل غفلت تعبیر کرده است: **«يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ» (روم / ۷).**

آن‌ها که ظاهری از زندگی دنیا را می‌دانند (آنچه حس می‌کنند و از آن برخوردارند و در نزد آن‌ها هدف است) و از زندگی آخرت سخت غافل‌اند.

در آموزه‌های دینی به‌طور جد از انسان خواسته‌اند هدف و غایت زندگی را ظاهر دنیا و به عبارت دیگر حیات طبیعی قرار ندهد. مولوی در ابیاتی شیرین و شورانگیز به انسان‌ها می‌گوید که تو ظاهری داری و باطنی، و باید به باطن خود که همان روح و نفخه‌ی الهی است (نفخت فیه من روحی: از روح خودم در انسان دمیدم) اهمیت بدهی که جاودانگی تو به آن است. هر مقدار هم که به ظاهر خود بررسی و آن را به زیورات مزین کنی روزی باید آن را رها کنی.

در زمین مردمان خانه‌مکن  
کار خود کن کار بیگانه‌مکن  
کیست بیگانه؟ تن خاکی تو  
کز برای اوست غمناکی تو  
تا تو تن را چرب و شیرین می‌دهی  
جوهر جان را نبینی فریبی  
گر میان مشک تن را جاشود  
روز مردن گند او پیدا شود  
مشک را بر تن مزین بر دل بمال  
مشک چه بود نام پاک ذوالجلال  
**دفتر دوم مثنوی**

بنابراین هدف از آفرینش و خلقت انسان رسیدن به کمالات انسانی است که خداوند از آن به «حیات طیبیه» تعبیر می‌کند. باید توجه داشت که منظور از حیات طیبیه این نیست که در جهان آخرت بدان ناقل شویم بلکه حقیقتی است که در همین دنیا دست‌یافتنی است و در یک کلام اگر طبق ارزش‌های دینی عمل کرده و قواعد دین را در زندگی فردی، سیاسی و اجتماعی خود رعایت کنیم در واقع «حیات طیبیه»ی خود را سامان داده‌ایم.

### ایمان و عمل صالح شرط حیات طیبیه

خداوند در قرآن کریم شرط ورود به حیات طیبیه را ایمان و عمل صالح می‌داند. انسان با انجام دادن عمل صالح که ناشی از ایمان است کمالات و ابعاد اصیل انسانی را به فعلیت می‌رساند. خداوند در سوره‌ی نحل، آیه‌ی ۹۷ این حقیقت را بیان می‌کند: «هر کس از مرد یازن، عمل صالح انجام دهد در حالی که ایمان داشته باشد، پس او را بی تردید به زندگی پاکیزه‌ای زنده خواهیم داشت.»